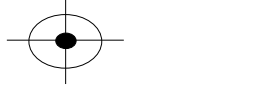


# کیمیان

**آتچه در بی می آید سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی در مراسم افتتاحیه طرح ولایت است که در ۲۶ تیرماه ۸۸ در مشهد ایراد شده است.ایشان به تفصیل دربارهٔ دو عامل پیدایش فتنه یعنی **عامل شناختی و عامل احساسی – عاطفی** از زبان **حضرت علی(ع)** سخن گفته است.**

در تاریخ همه کشورها از جمله تاریخ کشورهای اسلامی و بویژه کشور خومان، همیشه درگیری‌ها و کشمکش‌هایی وجود داشته است، حتی از عصر پیغمبر اکرم(ص) به بعد در بین صحابهٔ نزدیک آن حضرت، همان کسانی که سالیان متمادی پای منبر و در مکتب ایشان تربیت شده بودند، اختلاف‌هایی پیش آمد که به جنگ‌هایی از جمله چند جنگ در زمان حکومت کوتاه امیرالمؤمنین(ع) منتهی شد.

اما آنچه مشهود است این است که در همه این جریانات، چه در عالم اسلام و چه در کشورهای دیگر، خصومت‌های شیطانی، غیرعقلانی و غیرقابل توجه و صرفاً براساس تضاد منافع شخصی و گروهی وجود داشته است. چنانچه در عربستان جنگ بین قبایل معروف بود؛ به‌طوری که زندگی بسیاری از آنان با جنگ می‌گذشت. روشن است که این اختلافات و کشمکش‌ها بر سر منافع شخصی و در اثر تضاد در منافع پیش می‌آمد،



این است که تحلیل این فتنه‌ها چیست؟ نبرد دو دشمن قسم خودره، در یک میدان، قابل فهم است؛ اما فهم این مسئله که وقتی دوستانی، هم‌سنگرانی، کسانی که در یک خط حرکت می‌کردند و چه بسا در زندان هم‌سلول بودند، با هم نزاع و اختلاف می‌کنند، بسیار دشوار می‌شود. در خانواده‌بنی‌هاشم شخص سلیلا محترمی به نام زبیر بود که پسر عمه پیغمبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) بود. نقل کرده‌اند که حضرت زهرا(س) وقتی می‌خواستند به امیرالمؤمنین(ع) وصیت کنند، فرمودند: اگر شما نمی‌خواهید به وصیت من عمل کنید، به زبیر وصیت کنم! زبیر از جمله اولین کسانی بود که بعد از خلیفهٔ سوم با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کرد. اما چگونه کسی می‌شود چنین کسی بعد از مدتی کوتاه، در جبهه مقابل علی(ع) صف‌آرایی می‌کند و رسماً شمشیر می‌کشد و جنگ جمل راه می‌اندازد؟ می‌دانیم که پدیده‌های اجتماعی تک عاملی نیستند و به طور دقیق نمی‌شود گفت این پدیده اجتماعی همانم ل معلول یک عامل بود. معمولاً در یک حوادث اجتماعی ده‌ها و گاهی صدها عامل دست به دست هم می‌دهد تا پدیده‌ای اتفاق می‌افتد. بنابراین، ما هم توقع نداریم که وقتی این سؤال را مطرح می‌کنیم، فقط یک جواب بشنوم.

پس، شک، در هر فتنه‌ای نیز ده‌ها و صدها عامل مختلف وجود دارد که زمینه‌را برای وقوع آن فراهم می‌آورد. این‌گونه بحث‌ها مربوط به علوم

## معارف Maaref@Kayhan.ir

نگذاریم به بحران تبدیل شود.

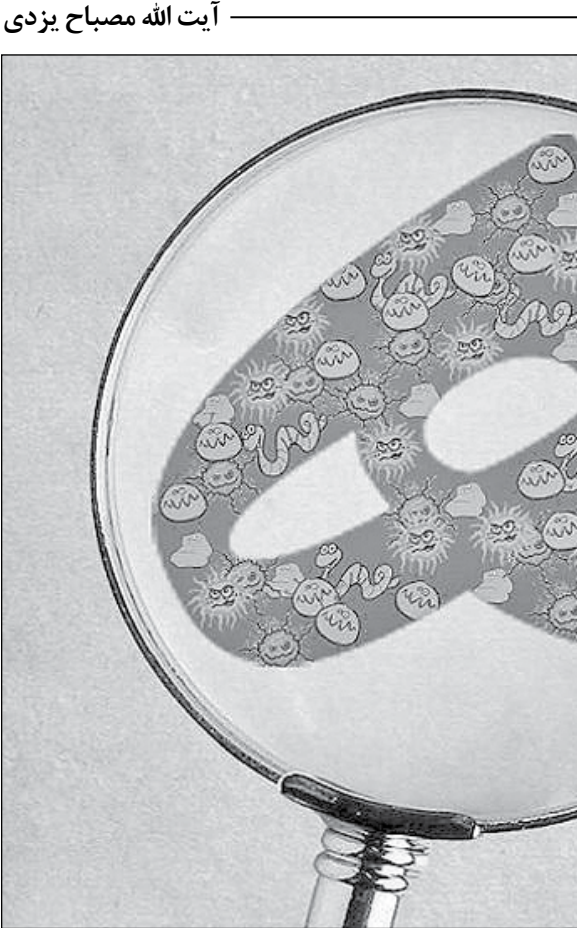
حضرت در این خطبه دو دسته عامل را معرفی کردند که عبارت است:

عامل شناختی و عامل احساسی
عاطفی

همه می‌دانید که کارهای اختیاری انسان از دو منشأ سرچشمه می‌گیرد. نخست، انسان باید «بداند» تا کاری را انتخاب کند و دوم غیر از دانستن، باید«بخواهد» ، تا آن کار انجام گیرد. انسانی که می‌داند، اما دلش نمی‌خواهد، کاری را جدی نمی‌گیرد. گاهی شعار را هم می‌دهد و اقدام‌های ابتدایی را هم برمی‌دارد، اما چون عزم جدی برای کار ندارد، از اولین کسانی بود که بعد از خلیفهٔ سوم با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کرد. اما نسبت به کار، «شناخت» کافی داشته باشد و دوم اینکه دلش بخواهد و «نگیزه» قوی برای انجام آن کار را داشته باشد.

## هر فتنه‌ای که در عالم رخ می‌دهد، معلول دو عامل است: یکی نقص شناخت و به تعبیر کلی جهل و ندانستن است و دیگری هوس‌ها و خواسته‌های شخصی یا گروهی است.

# عوامل به‌وجود آمدن فتنه از نگاه امام علی (ع)



بر این اساس، هر فتنه‌ای که در عالم رخ می‌دهد، معلول دو عامل است: یکی نقص شناخت و به تعبیر کلی جهل و ندانستن است و دیگری هوس‌ها و خواسته‌های شخصی یا گروهی است. اگر انسان یک قضیه را درست نفهمد، حکم ارزشی آن را درست تشخیص ندهد یا موضوع را درست نشناسد و برایش مشتبه شود و به گونه‌ای شناخت انسان ضعیف باشد، به فتنه‌ها مبتلا می‌شود. نمونه‌های این‌گونه موارد، هم در زندگی شخصی و هم در فعالیت‌های اجتماعی بسیار است. اگر لغزشی کردیم، یا به این دلیل است که شناخت درستی نداشته‌ایم و یا اینکه شناخت ما درست دربارهٔ آنها وجود دارد، سرخط و سرخ‌هایی را نشان داده‌اند تا اگر کسانی دنبال تحقیق باشند، بتوانند از اینها استفاده کنند و راه را برای کشف علل و عوامل این پدیده‌های سرنوشت‌ساز باز کنند.

تردید ی نیست اگر حوادث پس از رحلت پیغمبر(ص) به صورت دیگری اتفاق می‌افتاد، وضعیت ما این‌گونه نبود. آیا اندیشیداید اگر واقعاً همان‌طور که ۷۰ روز قبل از رحلت پیغمبر اکرم(ص)، ایشان، علی(ع) را جانشین خود خواند و فرمود: **«مَنْ كُنْتُ مُؤَلَّاهُ فَعِلَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»**، این کار عملی شده بود، اسلام چقدر رشد می‌کرد، چه اندازه ملت‌های دنیا از برکت اسلام بهره‌مند می‌شدند و چقدر گنجان، فساها و احرف‌ها کمتر می‌شد؟

**دو عامل پیدایش فتنه از زبان علی(ع)**

به هر روی، این امر رخ نداد و فتنه‌ای واقع شد. براسنی علی این فتنه چه بود، تا ما هم در زمان خود، اگر مشابهی پیدا کردیم، سعی کنیم به اندازه توان نگذاریم چنین فتنه‌ای برپا شود. این کار کمی نیست و فکر نمی‌کنم ارزشش کمتر از ارزشی هسته‌ای باشد. امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه به این‌گونه مسائل پرداخته‌اند، اما استفاده از فرمایشات حضرت امیر(ع) قدری دقت می‌خواهد تا انسان به راز و رمزهای که در کلام ایشان است بی‌برد و برای زندگی‌اش درس بگیرد و از مفاسد و فتنه‌هایی که در هر زمانی ممکن است اتفاق بیفتند، جلوگیری کند. آن حضرت در خطبه‌ای می‌فرماید: **«إِنَّمَا بَدَأَ وَذُوهُ الْفِتْنِ الْأَسْوَأُ تَنْبُؤٌ وَ الْأَحْكَامُ تُبْنَدُ عِخَالَفٍ فِينَهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّوْا عَلَيْنَهَا رِجَالٌ رَعَالًا عَلِيٌّ غَيْرُ دِيْنِهِ»**، جز این نیست که آغاز پیدایش فتنه‌ها پیروی از هوا و هوس‌ها و بدعت‌هایی است که با کتاب خدا مخالفت دارد و گروهی (چشم و گوش بسته یا هوپرست اگاه) به پیروی این امر برخیزند و برخلاف دین خدا از آنها حمایت می‌کنند. (نهج‌البلاغه: خطبه ۵۰) حضرت امیر(ع) دو دسته عامل را به عنوان منشأ پیدایش فتنه‌ها معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد ما به توانیم عامل سوم را به فرمایش امیرالمؤمنین(ع) اضافه کنیم. علت نخستین دشمنی و جنگ بر سر منافع شخصی روشن است و احتیاج به تحقیق ندارد. اما جایی که «فتنه» است، یعنی مسائلی در نمی‌تیدیم می‌شود، ایام‌هایی به وجود می‌آید، حق و باطل مشتبه و تشخیص را صعب از راه غیرصحيح مشکل می‌شود و حتی افراد هوشیار و زیرک هم در صورت می‌خورند، مسئله تفاوت می‌کند و بنابراین، لازم است بدانیم منشأ «فتنه» از کجا شروع می‌شود که به چنین پدیده اجتماعی می‌انجامد و کار را بر مردم دشوار می‌کند. عده‌ای را به فساد می‌کشاند، خون‌ها ریخته می‌شود، ظلم و فساد بر پا می‌شود و کسانی ناخواسته به سمت آن کشیده می‌شوند. اگر بدانیم آغاز «فتنه» از کجاست، آنگاه می‌توانیم با مشاهده علایم آن در برابر آن بایستیم و از کجاست،

## نفوذ به معنای رخنه است. در روان شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و نظامی، این واژه یکی از کاربردی‌ترین اصطلاحات است. نفوذ اجتماعی، فرصتی است که هر کسی بر آن است تا آن را به نحوی برای خود به دست آورد؛ زیرا در این صورت دایره بده و بستن هایش افزایش می‌یابد و از درصده بیشتری از منافع برخوردار شده بی‌آنکه هزینه زیادی بپردازد.

در حوزه نظامی، همواره تلاش بر آن است تا از نفوذ دشمن جلوگیری شود. خاندان در آیه ۹۶ سوره کهف از نفوذ نظامی سخن به میان آورده و گفته است: **فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَمْشُوا فِيهَا وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا**. در حقیقت دشمن همواره تلاش دارد تا در مواضع دویستان حثل به وجود آورد و در راه برای سلطه خویش باز کند. این گونه است که تلاش می‌کند در مواضع دفاعی راهی پیدا کند تا به این هدف خویش برسد.

**نفوذ فر هنگی، خطرناکتر از نفوذ اقتصادی و نظامی**
از نظر قرآن، در حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، خطر نفوذ بیشتر و آسیب آن نیز فزونت‌است؛ زیرا در نفوذ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، افکار و عقاید و نیز قلوب مردمان هدف تهاجم قرار می‌گیرد و دشمن با استفاده از خواص دارای نفوذ اجتماعی، تلاش می‌کند تا اهداف خودش را تحقق بخشد. دشمن با استفاده از نردم شناسی و روان شناسی اجتماعی و دیگر علوم تلاش می‌کند تا مردمان و خواص جامعه را با خود همراه کند و با کمترین هزینه، بیشترین بهره‌برداری را داشته باشد. در آیات و روایات است که فرعون قبطی، با استفاده از بلم باعورا، از خواص دانشمندامت موسی و قوم سبطی، تلاش کرد

نگذاریم به بحران تبدیل شود.

حضرت در این خطبه دو دسته عامل را معرفی کردند که عبارت است:
عامل شناختی و عامل احساسی
عاطفی

همه می‌دانید که کارهای اختیاری انسان از دو منشأ سرچشمه می‌گیرد. نخست، انسان باید «بداند» تا کاری را انتخاب کند و دوم غیر از دانستن، باید«بخواهد» ، تا آن کار انجام گیرد. انسانی که می‌داند، اما دلش نمی‌خواهد، کاری را جدی نمی‌گیرد. گاهی شعار را هم می‌دهد و اقدام‌های ابتدایی را هم برمی‌دارد، اما چون عزم جدی برای کار ندارد، از اولین کسانی بود که بعد از خلیفهٔ سوم با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کرد. اما نسبت به کار، «شناخت» کافی داشته باشد و دوم اینکه دلش بخواهد و «نگیزه» قوی برای انجام آن کار را داشته باشد.

این تفکر اریقدر ریشه داشت که گاهی سلاطینی که می‌خواستند انمود کنند که ما به اسلام و تشیع پایبند هستیم، برای مشروعیت حکومتشان از مراجعی مثل محقق کرکی و کاشف الغطاء، اجازه می‌گرفتند. این مسئله هر چند امر مسلمی بود، اما تا ۳۰ سال پیش تحقق عینی پیدا نکرده بود. آنچه امام(ره) انجام داد این بود که ایشان این فکر ثابت را عملی کرد. آنجا آنچه را که ۱۴۰۰ سالال فقهای شیعه و علمای متکلمین درباره‌اش بحث و تحقیق کرده بودند، جامه عمل پوشاند و انقلاب اسلامی ایران، به نام حکومت ولایت فقیه تحقق عینی پیدا کرد. اما سؤال این است که ما به چه اندازه به این مسئله علم راسخ داریم، یعنی این مسئله چقدر برای خود ما روشن است؟

متأسفانه بسیاری از کسانی که خودشان حامی ولایت فقیه بودند، از نظر علمی و نظری ضعیف بودند و نمی‌توانستند از این نظریه دفاع و آن را تبیین کنند و بالاخره با مسامحه آن را گذرانند. بسیاری از کسانی که پس از انقلاب مسئولیت‌هایی پیدا کردند، در عین حالی که اصولگرا، طرفدار ولایت فقیه و پیرو خط امام(ره) بودند، این مسئله از نظر علمی برای ایشان روشن نبود. همچنین تبیین مبانی فکری این مسئله، اعم از فقهی و کلامی نیز از سوی منتقدان، آن‌طور ی که باید صورت نگرفت. است. دربارهٔ فتنه سال ۸۸ باید گفت: بخشی از آن مربوط به دشمنان قسم خوردهٔ این مردم و نظام است. دشمن باید دشمنی کند. اگر آمریکا نخواهد نظام ایران را براندازد پس چه کار کند؟ آیا توقع ما از آمریکا این است که نظام ما را تقویت یا تأیید کند؟ آمریکا سایه نظام اسلامی را هم نمی‌تواند ببیند. اما سخن از کسان دیگری است. واقعاً چگونه شد کسانی که روزی هم‌سنگر بودند با هم اختلاف پیدا کردند؟ فراموش نکنیم پدیده‌های اجتماعی تک‌عاملی نیستند. ولی می‌توان گفت: یکی از سبب‌های این فتنه این بود که مسئله ولایت فقیه از نظر علمی و فکری برای خود آنان روشن نبود. مسئولاتی را سراغ داریم که بارها گفته‌اند: ما ولایت فقیه را قبول داریم چون در قانون اساسی آمده است! یعنی اگر در قانون نیامده بود، قبول نداشتیم و اگر قانون اساسی تغییر کند تغییر آن را می‌پذیریم؛ این یکی نوع برخورد با مسئله ولایت فقیه است که آن را قبول داریم چون در قانون اساسی آمده است. اما اعتبار قانون اساسی به چیست؟ اعتبارش را این است که مردم رأی دادند. بر همین اساس این پرسش را مطرح می‌کنند که اگر رأی مردم تغییر کرد و گفتند ما ولایت فقیه را قبول نداریم، چه باید کرد؟

راستی اگر اعتبار ولایت فقیه به این است که در قانون اساسی آمده و اعتبار قانون اساسی به این است که مردم به آن رأی دادند، می‌توان گفت که می‌شود یک روز هم آن را تغییر داد. به عقیده چنین کسانی این بحث از نظر استدلالی هیچ‌اشکالی ندارد. آنان عقیده دارند: همچنانکه در زمان خود امام(ره) بعضی از مواد قانون اساسی تغییر کرد، می‌توان بار دیگر آن را تغییر داد. آنگاه بر این اساس، چند نفری شورش می‌کنند و به اصطلاح انقلاب محملی راه می‌اندازند. و بعد هم می‌گویند قانون اساسی باید تغییر کند.

وقتی انسان چنین فکری داشته باشد، دیگر خود را ملزم نمی‌داند که وقتی ولی فقیه امری فرمود حتماً اطاعت کند می‌گوید: حکم ولی فقیه هم چیزی شبیه قانون مجلس است؛ از آن که بالاتر نیست؛ ما بسا قانون مجلس هم مخالفت می‌کنیم، تغییرش می‌دهیم، اعتصاب و تظاهرات راه می‌اندازیم، تا خود مجلس قانونش را تغییر بدهد. برای احکام ولی فقیه هم سر و صدا راه می‌اندازیم و شورش می‌کنیم تا رهبری مجبور به تسلیم شود!

مسئله این است که ما بسیاری از مطالب اساسی دینی، ارزشی و انقلابی خود را آن‌طور که باید و شاید از نظر فکری و نظری حل نکرده‌ایم.

## این عالم، عالم امتحان است. برخی که امروز امتحان شدند، شاید در ۲۰ سال پیش باور نمی‌کردید که آنان چنین امتحانی بدهند. امتحان یعنی اینکه از محتوای پرسش‌ها آگاهی نداشته باشی. یعنی چیزهایی پیش می‌آید که خود انسان هم باور نمی‌کند. امتحان آن است که سؤالتش معلوم نباشد. خاندانم هم حوادثی پیش می‌آورد که برای اشخاص آشکار نباشد؛ تا مشخص شود هر کسی چه سرنوشتی دارد و چه موضعی خواهد گرفت. اینجاست که خطر متوجه همه می‌شود.

بسیاری کسب کنیم و بسیاری از مسائل اجتماعی را حل کنیم. دانستن مسائل دینی، اعتقادی، اخلاقی، ارزشی، تهذیب اخلاق و تهذیب نفس و تقویت اراده، در چنین جامعه فرض است. وقتی هم فهمیدیم که یک کاری را باید انجام بدهیم، نباید کوتاهی و کم‌کاری کنیم. به طور کلی این دو مسئله لازم است: یک بخش «شناخت» است و دیگری «اراده». اما گفترت شناخت‌های کم‌گسترده سال‌هاست که رهبر معظم انقلاب درباره تولید علم و نهضت نرم‌افزاری سفارشتای فرموده و رهنمودهایی داده‌اند.دولت‌ها و دانشمندان هم در حوزه‌های مختلف تلاش کرده‌اند؛ اما این تلاش به وقوع فتنه‌هایی از جنس فتنه‌های صدر اسلام ربطی ندارد. فتنه‌ای که در صدر اسلام اتفاق افتاده، برای این نبود که مردم صنعت نداشتند یا علوم مادی شان ضعیف بود، در پزشکی نقص داشتند، یا انرژی‌های طبیعی را درست نمی‌شناختند. البته در جنگ‌ها می‌بایست از ابزارهای نوگونی در مقابل دشمن استفاده کرد. ولی این فتنه‌ها به طور مستقیم مربوط به این مسائل نبود. اینجا اگر جهلی هست، از سنخ دیگری است؛ این جهلی است که بر رفتارهای ارزشی ما اثر می‌گذارد؛ آیا پرسش‌ها در علوم طبیعی و حتی علوم اجتماعی، به معنای عام، پاسخ داده نمی‌شود؛ بلکه این موارد در حوزه دینی قرار می‌گیرد.

**امامت؛ شاخص هویت شیعی**
یکی از مسائلی که ما در این عصر، یعنی در این صد سال اخیر، با آن نغوذ به معنای رخنه است. در روان شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و نظامی، این واژه یکی از کاربردی‌ترین اصطلاحات است. نفوذ اجتماعی، فرصتی است که هر کسی بر آن است تا آن را به نحوی برای خود به دست آورد؛ زیرا در این صورت دایره بده و بستن هایش افزایش می‌یابد و از درصده بیشتری از منافع برخوردار شده بی‌آنکه هزینه زیادی بپردازد.
در حوزه نظامی، همواره تلاش بر آن است تا از نفوذ دشمن جلوگیری شود. خاندان در آیه ۹۶ سوره کهف از نفوذ نظامی سخن به میان آورده و گفته است: **فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَمْشُوا فِيهَا وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا**. در حقیقت دشمن همواره تلاش دارد تا در مواضع دویستان حثل به وجود آورد و در راه برای سلطه خویش باز کند. این گونه است که تلاش می‌کند در مواضع دفاعی راهی پیدا کند تا به این هدف خویش برسد.

## نفوذ فر هنگی، خطرناکتر از نفوذ اقتصادی و نظامی

از نظر قرآن، در حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، خطر نفوذ بیشتر و آسیب آن نیز فزونت‌است؛ زیرا در نفوذ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، افکار و عقاید و نیز قلوب مردمان هدف تهاجم قرار می‌گیرد و دشمن با استفاده از خواص دارای نفوذ اجتماعی، تلاش می‌کند تا اهداف خودش را تحقق بخشد. دشمن با استفاده از نردم شناسی و روان شناسی اجتماعی و دیگر علوم تلاش می‌کند تا مردمان و خواص جامعه را با خود همراه کند و با کمترین هزینه، بیشترین بهره‌برداری را داشته باشد. در آیات و روایات است که فرعون قبطی، با استفاده از بلم باعورا، از خواص دانشمندامت موسی و قوم سبطی، تلاش کرد

### صفحه ۶ پنج‌شنبه ۲۱ دی ۱۳۹۶ ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۲۹ – شماره۶۸۱۶Maaref@Kayhan.ir

## چراغ راه نتیجه‌فتنه‌گری

**قال الامام علی(ع): «من شب نار الفتنه کان وقوداً لها»**

امام علی(ع) فرمود: هرکس آتش فتنه را برافروزد، خود، هیزم آن شود. <sup>(۱)</sup>

## ۱- میزان‌الفصاحه، ج ۹، ص ۴۵۲۶

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: زمانی بر امت من بیاید که فقیران فراوان شوند، و ققیهان کم شوند و علم جمع شود (و کاشش بیاید) و آشوب فزونی گیرد، آنگاه از پس آن زمانی بیاید که مردانی از امت مسن قرآن می‌خوانند که از گلویشان بالاتر نمی‌رود. آنگاه از پس آن زمانی بیاید که مشرک بر خدا، با مومن مجادله می‌کند، و سخنانی نظیر او می‌گوید. <sup>(۲)</sup>

همچنین آن حضرت می‌فرماید: زمانی برای مردم خواهد آمد که راستگو را تکذیب می‌کنند، و دروغگو را تصدیق می‌کنند، و امین را خانن می‌شمارند و خانن را مومن می‌پندارند و مرد بی‌آنکه شهادت از او بخواهند شهادت می‌دهد و بی‌آنکه قسم از او بخواهند قسم می‌خورد، و خوشبخت‌ترین مردم، فرماییدهٔ فرزند فرومایه باشد که به خدا و پیغمبرش ایمان ندارد. <sup>(۳)</sup>

## ۱- نهج‌الفصاحه، ص ۵۲۷، ح ۱۷۵۵

۲- همان، ص ۶۴۵، ح ۲۲۶۶

## پرشش و پاسخ

## فتنه و مصادیق آن (۲)

**پرشش:**
بر اساس آموزه‌های وحیانی چه افراد و جریان‌هایی از مصادیق فتنه

**فتنه‌گران به حساب می‌آیند؟**
**پاسخ:**

در بخش نخست پاسخ به این سوال به مفهوم‌شناسی فتنه از حیث لغوی و اصطلاحی پرداختیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

**مصادیق فتنه**
برای این که تصویر روشن و درستی از فتنه در فرهنگ قرآنی داشته باشیم به سراغ آیاتی می‌رویم که به مصادیق فتنه توجیه می‌دهد؛ زیرا از این طریق می‌توان دریافت که غیر از عوامل طبیعی که نظر را مختل می‌سازد و آرامش را از آدمی‌سلب می‌کند، چه علل و عوامل دیگری می‌تواند موجبات سلب آرامش و امنیت شود و نظم را به هم ریزد؛ البته همواره بر این نکته تأکید می‌شود که عوامل طبیعی نیز از تباط‌نگانگی با رفتارها و کنش‌های انسانی دارد؛ زیرا فعالیت آدمی‌است که موجبات اختلال در نظم طبیعی را فراهم می‌آورد و امنیت و آرامش را از او سلب می‌کند؛ از این رو خاندان ذ فساد و تباهی در نظم طبیعت و محیط زیست خشکی و دریاپی می‌شود و سبب کنش‌های انسانی خیر می‌دهد و آدمی را سبب اصلی بسیاری از حوادث و رخدادها به ظاهر طبیعی زمین به عنوان فتنه است.
**۱- ستمگران:**
خاندان در آیه ۲۵ سوره انفال از ستمگران نام برده فتنه انگیزان اصلی جامعه یاد می‌کند. ایشان کسانی هستند که به حقوق خود پسند نمی‌کنند و با تجاوز به حقوق دیگران می‌کوشند تا نظم طبیعی جهان و جامعه را که بر پایه عدالت استوار است، به هم ریزند. در مقابل ظلم و ستمی که از سوی ستمگران اعمال می‌شود، خود مصادیقی از فتنه است؛ زیرا هم نظم طبیعی که بر محور عدالت است را از میان می‌برند و هم آرامش و امنیت را از دیگری و با جامعه سلب می‌کنند.

با نگاهی به تاریخ و گزارش‌های تاریخی قرآن می‌توان به آسانی دریافت که چگونه ستم ستمگران، فتنه اصلی در جوامع بشری بوده است و آنان را از پیشرفت و تکامل و تعالی در حوزه‌های فرهنگی و تمدنی بازداشتند است و اجازه ندادند تا همه انسان‌ها به کمال و تعالی دست یابند. جوامع به سبب ستم ستمگران هرگز روی عدالت به ترقی و امنیت و آرامش سودی مشاهده نکردند.

**۲- متحرفان و هنجارشکسکان:**
دسته دومی که خاندان از آنان به عنوان فتنه انگیزان سخن به میان می‌آورد، کسانی هستند که با آنان به نام متحرفان یا هنجارشکسکان می‌شناسیم. این عده با ایجاد فتنه و فساد در جامعه، امنیت و آرامش را از آن سلب کرده و در نظم عمومی و اجتماعی جامعه اختلال ایجاد می‌کنند. احرفات ایشان که باهنجارشکنی و بهره‌گیری از قوانین مشابه صورت می‌گیرد، به آنان این امکان را می‌بخشد تا عرف و عادت پسندیده را زیر پا گذاشته و با هنجارشکنی اجتماعی و اخلاقی و فریب جامعه را با چرخن مواجه سازند. خاندان در آیه ۷ سوره آل عمران این افراد را کسانی معرفی می‌کند که همواره دنبال مشابلهات هستند و از آن پیروی می‌کنند. این در حالی است که حقایق و اصول محکم و متقن در اختیار آنان است، ولی آنان با چشم‌پوشی نسبت به این اصول، در بی‌مشابلهات و افروزی می‌روند که ننگ و تردید در صحت و سقم آن وجود دارد؛ چرا که در این آمل‌گلد بهتر می‌توانند مراهی مدی بگیرند و در صورت بروز حرکت در مسیر قوانین شفاف و روشن صلح‌های امنی را می‌شود. به عنوان نمونه در جامعه امروز عده‌ای با آن که اصول شفاف قانونی و وجود دارد در بی قوانین مشابه و غیرشفاف می‌روند و با هیاهو و غوغاسازی می‌کوشند تا در زمینه برای آشوب و هرج و مرج قانونی را فراهم آورند و جامعه را در سطح بحران قرار دهند تا بتوانند از این وضعیت بحرانی برای منافع خویش بهره گیرند. قدر بسیار هرگز به اصول شفاف و روشن توجهی نمی‌کنند و چون می‌باید حل‌سندند و در دل‌ایشان رنگار کینه و کدورت است و از سلامت شخصیت و روحی و روانی برخوردار می‌باشند، تنها دنبال مصادیق غیروشن قانونی می‌روند، این‌گونه است که هنجارشکنی به عمل طبیعی آنان تبدیل می‌شود و از جاده قانون و سلامت بیرون می‌آیند.

خاندان در این آیه تبیین می‌کند که بددلی و بیمارلدی ایشان موجب می‌شود تا همواره در جایی قرار گیرند که فتنه و اختلال در نظم و فقدان آرامش آنان برای رسیدن به این هدف از تاولیل نادرست قوانین نیز خودداری نمی‌کنند. آنان در دانش‌های نادرست خود از قوانین را به عنوان تاولیل و تفسیر در سطح مطرح می‌سازند و به موارد مشکوک شبهات و مشابلهات، توجه ویژه‌ای دارند؛ زیرا در این فضا می‌توانند زیست کنند. اینان میکروبها و ویروس‌های اجتماعی هستند که در فضای مشابلهات و تاولیلات نادرست رشد می‌کنند و تکثیر می‌شوند.

## صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

**تلفن‌های مستقیم: ۲۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۳۲۱**
**Maaref@kayhan.ir**

۱- سربلوسلوک پاکان دفتر ۰۱۲، نامه‌های عرفانی، علی محمدی، ص ۱۸۸

صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

**تلفن‌های مستقیم: ۲۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۳۲۱**

**Maaref@kayhan.ir**